

**Original Article**

**Examining the Impact of Media on Increasing the Sense of Insecurity and Crime from the Perspective of Citizenship Rights**

**Amir Taha Makhdoui<sup>1</sup>, Mahdi Esmaceli<sup>2\*</sup>, Hasan Haji Tabar Firuzjaei<sup>3</sup>**

1. Ph.D. Student, Criminal Law and Criminology Department, Islamic Azad University, Ayatollah Amoli Branch, Amol, Iran.
2. Ph.D. Graduate, Criminal Law and Criminology, Supervisor, Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran. (Corresponding Author) Email: dresmaeli@yahoo.com
3. Ph.D. Graduate, Criminal Law and Criminology, Advisor, Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Ghaemshahr, Iran.

Received: 4 Mar 2019 Accepted: 9 Jul 2019

**Abstract**

Media and citizenship rights are interconnected in many ways. Considering the positive aspect, it can be asserted that in the field of citizenship life, media can spread information and awareness; and regarding the negative side, they can also be considered as making the context for the threat to citizenship by representing crime and provoking insecurity. Therefore, the media has dual impacts on the lives of citizens. However, from the aspect of examining the negative impacts of the media, one can point out their undesirable effects on increasing insecurity, fear of crime, its normalization and even the generalization of crime practices among all citizens. In this regard, the present study seeks to examine the impact of the media on increasing the sense of insecurity and crime from the perspective of citizenship law and provide solutions to counter the adverse effects of the media. From this perspective, security is regarded as one of the fundamental pillars of citizenship. The most important findings of the present study are that the media is also an agent contributing to the spread of insecurity by presenting crime, normalizing crime, fast transmission and educating criminals and thus, is considered as a threat to citizenship. Contrarily, the criminal laws of governments, the monitoring of the performance of media administrators, the need for a review of the content of media that provokes insecurity and the fear of crime, as well as the participation of citizens in monitoring and producing media content are among the solutions that can eliminate the media's undesirable effects while at the same time, defend citizenship rights. The present research is a descriptive-analytical one that utilizes documentary and library resources, papers and studies related to the subject to collect the data.

**Keywords:** Media; Insecurity; Fear of Crime; Citizenship Rights; Criminal Law

**Please cite this article as:** Makhdoui AT, Esmaceli M, Haji Tabar Firuzjaei H. Examining the Impact of Media on Increasing the Sense of Insecurity and Crime from the Perspective of Citizenship Rights. *Iran J Med Law*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 267-278.

## بررسی تأثیر رسانه بر افزایش حس ناامنی و جرم از دیدگاه حقوق شهروندی

امیرطاها مخدومی<sup>۱</sup>، مهدی اسماعیلی<sup>۲\*</sup>، حسن حاجی تبار فیروزجائی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد آیت‌الله امین، آمل، ایران.

۲. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد راهنما، استادیار و عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: dresmaeli@yahoo.com

۳. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد مشاور، استادیار و عضو هیأت‌علمی دانشگاه آزاد واحد قائم‌شهر، قائم‌شهر، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۸

### چکیده

رسانه‌ها و حقوق شهروندی از جهات متعددی با هم در ارتباط هستند. از جنبه مثبت می‌توان گفت رسانه‌ها در حوزه زندگی شهروندی باعث اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی می‌شوند و از جهتی منفی نیز می‌توانند در بُعد بازنمایی جرم و دامن‌زدن به ناامنی، زمینه‌ساز تهدید حقوق شهروندی تلقی شوند. بنابراین رسانه‌ها در حوزه زندگی شهروندان، آثار دوگانه‌ای بر جای می‌گذارند. با این وجود، از جنبه بررسی آثار منفی رسانه‌ها می‌توان به اثرگذاری نامطلوب آنان بر افزایش ناامنی، ترس از جرم، عادی‌شدن آن و حتی همگانی‌شدن شیوه‌های جرم در میان آحاد شهروندان اشاره کرد. در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا تأثیر رسانه‌ها بر افزایش حس ناامنی و جرم را از منظر حقوق شهروندی مورد بررسی قرار دهد و راه‌کارهایی برای مقابله با آثار نامطلوب رسانه‌ها ارائه کند. از این منظر، امنیت به عنوان یکی از محورهای اساسی حقوق شهروندی مورد توجه قرار می‌گیرد. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر این است که رسانه‌ها با بازنمایی جرائم، عادی‌جلوه‌دادن جرم، انتقال سریع و آموزش به بزه‌کاران، عاملی برای گسترش ناامنی نیز هستند. از این رو تهدیدی برای حقوق شهروندی تلقی می‌شوند. در سوی مقابل، قوانین کیفری دولت‌ها، نظارت بر عملکرد گردانندگان رسانه‌ها، لزوم بازبینی در محتوای رسانه‌هایی که ناامنی و ترس از جرم را دامن می‌زنند. همچنین مشارکت شهروندان در امر نظارت و تولید محتوای رسانه‌ها از جمله راه‌کارهایی است که می‌تواند آثار نامطلوب رسانه‌ها را از بین ببرد و در عین حال از حقوق شهروندی دفاع به عمل آورد. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، مقالات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع نسبت به گردآوری داده‌ها اقدام نموده است.

**واژگان کلیدی:** رسانه؛ ناامنی؛ ترس از جرم؛ حقوق شهروندی؛ قوانین کیفری

## مقدمه

عصر کنونی، عصر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی است که اغلب حوزه‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند. رسانه‌های گروهی تمامی وسایل و ابزارهای ارتباطی را شامل می‌شود که در اختیار گروه‌های کثیری از مردم قرار دارد (۱) و دارای گستردگی زیادی در انتقال اطلاعات به افراد جامعه می‌باشد، مانند تلویزیون، رادیو، مجله، کتاب، شبکه‌های مجازی و اینترنت. علاوه بر این، رسانه‌ها به لحاظ کارکرد مثبت خویش، ابزاری بسیار قدرتمند برای حساس‌سازی افراد جامعه و ارائه آگاهی‌های لازم به آن‌ها در خصوص موضوعات مختلف می‌باشند که به هر نوع و در هر سطح می‌توانند زندگی فردی و جمعی اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار دهند. از این منظر، رسانه‌های جمعی تأثیری انکارناپذیر در آموزش، فرهنگ‌سازی، القای عقیده، سیاست کیفری، تغییر قوانین، مهار جرائم و... دارند و می‌توانند تهدیدات و فرصت‌های نوینی را برای زندگی بشر پدید آورند. در واقع تحولات اجتماعی و تغییرات بنیادین در عرصه زندگی بشر و در عصر ارتباطات، ناشی از قدرت رسانه‌هاست. رسانه‌ها می‌توانند بهترین وسیله برای روشن شدن اذهان و تلفیق افکار و عقاید مورد نظر باشند. از این منظر، رسانه‌های جمعی نه تنها در شکل‌دادن و مهار کردن جرائم مؤثرند، بلکه در مورد ایجاد تغییرهای قانونی لازم و نیز اجباری کردن دوباره برخی شیوه‌های حفظ نظم نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند (۲).

به طور مشخص یکی از موضوعاتی که باعث تأثیرگذاری رسانه‌ها بر حوزه حقوق شهروندی شده است، جرائم و ناامنی در عرصه‌های اجتماعی است که هم بر شهروندان و هم بر عملکرد دولت‌ها اثرگذار است. رسانه‌های گروهی به دلیل برخورداری از این ظرفیت یکی از ابزارهای مؤثر برای کنترل نهادها و جریان‌های قدرتمند و با نفوذ تلقی می‌شوند. خبرنگاران، دبیران سرویس خبری روزنامه‌ها و مدیران مسؤول تنظیم خبر و گزارش، با انتخاب موضوع و چگونگی انتقال این اطلاعات به مردم، نقش مؤثری در تعیین محدوده جرم و انحراف بازی می‌کنند. بدین ترتیب ابزارهای ارتباطی به سادگی می‌توانند از موضوعی کم‌اهمیت سوژه‌ای بسیار مهم بسازند و

افکار عمومی را نسبت به پدیده‌ای خاص حساس کنند و یا بر عکس از حادثه‌ای مهم، خبری خنثی و کم‌اهمیت بسازند (۳). به طور مشخص، یکی از حوزه‌هایی که رسانه‌ها بر آن اثرگذار هستند و اخیراً مورد توجه قرار داده است، اثرگذاری رسانه‌ها در بازنمایی جرم، ایجاد ناامنی و ترس از جرم است که لزوم توجه دولت‌ها به کنترل و نظارت بر رسانه‌ها را تشدید کرده است و حتی در پاره‌ای از مواقع، دولت‌ها را به اتخاذ راه‌کارهای سخت و نرم در زمینه مقابله با جرائم رسانه‌ای وادار ساخته است، به طوری که گزینش حوادث جنایی و نحوه انعکاس آن در خصوص رفتارهای ناهنجار و به‌هنجار در جامعه تعریفی را ارائه می‌نماید. بنابراین رسانه می‌تواند از یک طرف باعث تشدید حس ناامنی و ایجاد ترس از جرم گردد و هم از طرف دیگر می‌تواند با بیان الگوهای مناسب و ترویج فرهنگ و رفتار مسؤولانه احساس امنیت را به جامعه القا نماید. در این میان، افزایش احساس ناامنی ناشی از القانات رسانه‌ای و ترس از جرم به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر پیدایش رویکردهای امنیت‌مدار مطرح شده‌اند. واقع امر آن است که رسانه‌ها از دهه ۱۹۷۰ به بعد علاقه بیشتری به پوشش اخبار جرائم پیدا کردند. برای نمونه، سهم اخبار جنایی در رسانه‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ الی ۱۹۶۷، ۴٪ بوده، لیکن در آغاز دهه ۱۹۸۰ به ۶/۵ درصد و اواخر این دهه به ۱۳٪ و در دهه ۱۹۹۰ به ۲۸٪ افزایش یافت (۴).

بنابراین رویکرد رسانه‌ها به سمت و سوی انتشار اخباری سوق پیدا کرد که مخاطب بیشتری داشته باشد و این امر باعث شد به جرائم دارای خشونت و پیچیدگی‌های زیاد در ارتکاب، مانند قتل، ضرب و شتم و... بیشتر پرداخته شود تا جرائمی مانند سرقت که در خفا ارتکاب می‌یافت. با توجه به این‌که روز به روز استفاده و تأثیرگذاری رسانه‌ها در زندگی افراد بیشتر می‌شود، نقش آنان در آموزش و القای مباحث فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوق شهروندی و... پررنگ‌تر می‌شود و لزوم بررسی نقش‌آفرینی رسانه‌ها بر مسأله حس ناامنی و ترس از جرم ناشی از انتشار اخبار جنایی به عنوان یک موضوع جدی در تحقیقات حقوقی و اجتماعی احساس می‌شود. بنابراین در این پژوهش سعی می‌شود با روش

شناختی توصیفی - تحلیلی این پرسش پاسخ داده شود که رسانه‌ها از چه طریقی می‌توانند حس ناامنی و ترس از جرم را دامن بزنند و تهدیدی برای حقوق شهروندی تلقی شوند؟ همچنین راه‌کارهای دولت‌ها برای مقابله با آثار و تهدیدات رسانه‌ای در حوزه‌های ترس از جرم و ناامنی شامل چه مواردی است؟ فرضیه نوشتار این است: رسانه‌ها با بازنمایی وقایع و حوادث جنایی یکی از عوامل افزایش ناامنی و ترس از جرم هستند که همین رویه باعث گرایش دولت‌ها به تدوین قوانین کیفری از یکسو و مشارکت‌دادن شهروندان در امر مقابله با جرائم از سوی دیگر شده است.

به عبارتی دیگر معیارهای قوانین کیفری دولت‌ها در زمینه مقابله با جرائم رسانه‌ای و دفاع از حقوق شهروندی براساس چه مؤلفه‌هایی توجیه می‌شود و این معیارهای چگونه می‌توانند حافظ نظم و امنیت شهروندی تلقی شوند و در یک کلام، دفاع از حقوق عمومی شهروندی تلقی شوند، هرچند بر کسی پوشیده نیست که رسانه‌ها دارای آثار مثبت فراوانی در زندگی بشر هستند، اما آنچه پژوهش حاضر مطمح نظر قرار داده، بررسی آثار رسانه‌ها بر مسأله ناامنی و ترس از جرم و حتی بازنمایی آن است که می‌تواند سیاست‌های دولت‌ها در قبال حقوق شهروندی را تحت تأثیر خود قرار دهد.

### پیشینه و مبانی نظری

درباره نقش و جایگاه رسانه‌ها در عرصه تحولات مختلف، تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است. با این حال، بررسی نسبت رسانه و امنیت یکی از موضوعات جذاب در حیطه سیاسی و اجتماعی است که نقش و اهمیت جرائم اجتماعی را نیز مد نظر قرار می‌دهد. در همین راستا به چند پژوهش انجام شده در این زمینه پرداخته می‌شود.

خدیجه جعفری و همکاران (۱۳۹۷ ش.) در تحقیقی با عنوان «عوامل تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی شهروندان تبریز» به بررسی نقش عوامل درونی و بیرونی در ایجاد امنیت در میان شهروندان تبریزی پرداخته‌اند و در نهایت بدین نتیجه رسیدند که رسانه نقش مهمی در ایجاد امنیت اجتماعی میان شهروندان برخوردار است و همچنین عوامل درونی نظیر

رضایت از زندگی و و مسؤولیت‌پذیری شهروندی در مقایسه با عوامل بیرونی نظیر پلیس نقش مهم‌تری در ایجاد امنیت دارند (۵).

امیر دبیری‌مهر (۱۳۹۲ ش.) در تحقیقی با عنوان «تحولات نوین ارتباطات و رهیافت‌های رسانه‌ای ارتقای امنیت ملی و صیانت از هویت ملی» بر این اعتقاد است که در میان فناوری‌های فراگیر در عصر ارتباطات مانند ماهواره‌ها، فیبرهای نوری، اینترنت، بی‌سیم‌ها و... رسانه‌ها تصویرساز و تصویرگر و حامل پیام، بیش از دیگر فناوری‌ها بر سه‌گانه هویت ملی، امنیت ملی و منافع ملی تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرند، اما نکته کلیدی و اساسی این است که این فرایند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیازمند مدیریت رسانه و مدیریت فرهنگی است، به گونه‌ای که روابط میان این متغیرها در منظومه‌ای منسجم و منطقی بازتعریف شده و به وضعیت پایداری دست یابد (۶).

علی هاشمیان‌فر و همکاران (۱۳۹۲ ش.) نیز در تحقیقی با عنوان «تأثیر دینداری و رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان» از نظر نویسندگان، افزایش استفاده از ماهواره، کاهش احساس امنیت اجتماعی و یا افزایش احساس ناامنی را در پی دارد، با توجه به این امر می‌توان گفت، گسترش و توسعه روزافزون وسایل ارتباط جمعی، به ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای و یا برخی سایت‌ها و شبکه‌های اینترنتی، بیش از آنکه در راستای تأمین امنیت ملی و منافع ملی باشد، به نوعی تهدید علیه دولت، منافع ملی و امنیت اجتماعی تبدیل شده است (۷).

کتابی و همکاران (۱۳۸۶ ش.) نیز در تحقیق «بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی در شهر اصفهان»، امنیت را در زمره نیازهای اساسی جامعه تلقی می‌کنند که ارتباط مستقیمی با نقش‌آفرینی رسانه‌ها در دوره کنونی دارد. در این تحقیق نیز، توجه به متغیرهای روانی و احساس امنیت اجتماعی، بیشتر از مؤلفه‌های عینی و بیرونی مورد توجه قرار گرفته است، ضمن این‌که طرز تلقی و برداشت افراد جامعه از امنیت، نسبی است و هر کس بر اساس انتظارات شخصی و اجتماعی که از امنیت دارد، جامعه را ایمن و یا ناامن تلقی می‌کند. این طرز تلقی‌های متفاوت باعث

رسانه‌ها بر حوزه حقوق شهروندی، خصوصاً در افزایش حس ناامنی و ترس از جرم از جمله موضوعات حقوقی است که می‌تواند حقوق شهروندی را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. از این منظر، رسانه‌ها با توجه به آثاری که در حوزه‌های مختلف بر جای می‌گذارند، نقش مهمی در شکل‌گیری جرائم و حتی ناامنی و ترس از جرم بر عهده دارند. بدین‌سان تهدیدات اجتماعی نوینی به شکل معضلاتی چون جرائم، آسیب‌ها و نابسامانی‌های بین‌المللی به واقعیت انکارناپذیر اغلب جوامع بشری تبدیل شده و چاره‌ای جز مقابله هماهنگ در سطح بین‌المللی باقی نگذاشته‌اند (۱۱). به همین دلیل، دولت‌های مختلف همواره درصدد ارائه راه‌کارهایی برای مقابله با جرائم اجتماعی برآمده‌اند تا بتوانند امنیت شهروندان خود را به شکل مطلوبی تأمین کنند.

علاوه بر این، رسانه‌ها موضوعاتی را که ویژگی‌های خاصی دارند را به دقت دنبال می‌کنند و با طرح آن موضوع در زمان مناسب توجه افکار عمومی را نسبت به آن جلب و چالش جدیدی را در مسیر سازمان‌ها و جوامع ایجاد می‌کنند. به همین دلیل است که عده زیادی اعتقاد دارند ماهیت و طبیعت پوشش روی داده‌ها از سوی رسانه‌ها فراتر از روی داده‌های جاری است (۱۲). بنابراین رسانه‌های جمعی در جهت همراه نمودن افکار عمومی اقداماتی را انجام می‌دهند که حتی ممکن است باعث چالش‌ها و محدودیت‌های اخلاقی در حوزه شهروندی شود. به طور مشخص، امنیت یک جامعه از جمله موضوعات مهمی است که وابستگی همه‌جانبه‌ای به رسانه‌ها پیدا کرده است. بدین ترتیب امنیت یکی از نیازهای اساسی افراد جامعه بوده تا در سایه آن بتوانند به حقوق بنیادین خود دست یابند. به طور کلی، مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و خواه یک قوم یا کشور، برقراری امنیت آن جامعه و افراد آن است. همچنین امروزه دولت‌ها به صورت مهم‌ترین واحد سیاسی در صحنه روابط داخلی و خارجی اصلی‌ترین هدف و تلاش خود را برقراری امنیت همه‌جانبه و گسترش دامنه آن دانسته‌اند. بر این اساس، از بعد عینی، امنیت به معنای ایجاد شرایط و موقعیت ایمنی برای حفظ و گسترش ارزش‌های اصولی و حیاتی ملی است و از بعد ذهنی

سوق دادن افراد به سمت رسانه‌های متعدد داخلی و خارجی می‌شود (۸).

بر این اساس، پژوهش‌های بیان‌شده هر یک به نحوی ارتباط میان امنیت و رسانه را مورد توجه قرار داده‌اند و از این جهت دارای اشتراکاتی با پژوهش حاضر هستند، اما آنچه پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌سازد، توجه به مسأله حقوق شهروندی، نقش و جایگاه رسانه‌ها در افزایش حس ناامنی و ترس از جرم است که می‌تواند پای دولت‌ها را به ایجاد قوانین کیفری در زمینه حمایت از حقوق شهروندی باز کند.

### رسانه‌ها و امنیت شهروندی

رسانه‌ها در زمانه کنونی نقش مهمی در حوزه‌های مختلف اجتماعی بر عهده دارند، به طوری که می‌توان طیف متعددی از آثار مثبت و منفی رسانه‌ها را مورد بررسی قرار داد. در زمینه فعالیت‌های مثبت رسانه‌ها دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که به طور کلی می‌توان اطلاع‌رسانی و آگاهی شهروندی را خصیصه اصلی رسانه‌ها ذکر کرد. بدین ترتیب امروزه یکی از کارکردهای رسانه‌های جمعی آگاه‌سازی و آموزش مخاطبان و نهادینه‌سازی فرهنگ‌ها در جامعه است، لذا رسانه‌های جمعی در زمینه آموزش فرهنگ شهروندی تأثیر به‌سزایی دارند و به این طریق بر تکامل فردی و اجتماعی افراد و در نهایت تکامل و توسعه اجتماعی جامعه تأثیر گذاشته و جامعه را به سمت توسعه پیش می‌برند. جوامع امروزی به دلیل نوع شکل‌بندی اجتماعی و سازمان روابط بین‌فردی خود، نیازمند ایجاد نگرش‌های نوین در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی هستند، از جمله در خصوص ترویج حقوق شهروندی که از اولویت‌های اساسی فرهنگ‌سازی در جامعه است (۹). در همین راستا، امروزه در عرصه‌های مختلف با رسانه‌های بومی و نوپای مختلفی رو به رو هستیم که می‌توانند نقش ایجابی و مثبت در امنیت ملی کشورهای خود ایفا نمایند (۱۰).

با این حال، ابعاد مختلف رسانه‌ها و کارکرد آنان در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از جمله مسائلی است که همچنان محل مناقشه است. بر همین اساس، بررسی تأثیر

به معنای احساس امنیت است، یعنی امنیت از بعد ذهنی ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم و دولت از آسیب‌پذیری و تهدیدات امنیتی دارد (۱۳).

### ۱- رسانه؛ حقوق شهروندی، امنیت و جرائم

امروزه اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی شهروندان و حقوق و وظایف آن‌ها یکی از اقدامات مؤثری است که نقش رسانه‌های گروهی در نهادینه‌شدن حقوق شهروندی را به امری انکارناپذیر تبدیل کرده است. گسترش روزافزون ارتباطات خصوصاً فضای مجازی و اینترنت نقش مهمی در رفاه و پیشرفت جامعه بشری در مسیر توسعه و تعالی ایفا می‌کند. رسانه‌ها از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده و هدایت افکار عمومی و ارزش‌ها در جوامع مختلف هستند که بی‌شک، آموزش یکی از کارکردهای اصلی و حرفه‌ای آنان می‌باشد. آموزش شهروندی و تربیت شهروندان، سه عنصر اصلی شهروندی چون نظام حقوقی، حس عضویت ملی و حس تعلق و وابستگی اجتماعی در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه‌ای اثرگذار باشد. رسانه‌ها با گسترده‌ی پوشش و تأثیر خود اطلاعات، ارزش‌ها و هنجارها را از نسلی به نسل دیگر منتقل نموده و انسجام اجتماعی و جامعه‌پذیری افراد را مهیا می‌سازند. همچنین رسانه‌ها در بحث فرهنگی باعث پویایی افکار شده و به تبیین حقوق و تکالیف افراد و دولت‌ها می‌پردازند، لذا رسانه‌ها از طریق ارائه آگاهی‌های عمومی و جهت‌دهی افکار عمومی در جهت افزایش ادراک و یادگیری مردم نسبت به حقوق و تکالیف خود، می‌توانند از اصلی‌ترین مجراهای تبیین و نهادینه‌سازی حقوق شهروندی در جامعه باشند.

از طرفی دیگر، وسایل ارتباط جمعی قادرند با کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق رسانه‌ای، سلامت فکری و اخلاقی اعضای جامعه را تهدید کنند. رسانه‌ها سهم به‌سزایی در بزرگ‌نمایی وقایع مجرمانه به ویژه پس از وقوع جرائم جنسی را دارند. رسانه‌ها با استفاده از روش‌های ژورنالیستی به بازنمایی وقایع پرداخته، ترس مردم را تشدید می‌کنند. این بزرگ‌نمایی توأم با بهره‌گیری از واژگان غیر علمی و عامه‌پسندانه مانند شرور، لات، شیطان‌صفت و حیوانات جنسی است. به عنوان نمونه در حالی که در آمریکا تا قبل از دهه ۹۰

میلادی واژه «درنده جنسی» در هیچ روزنامه‌ای به کار نرفته بود. تنها در سال ۱۹۹۵، ۹۲۴ مرتبه از این واژه استفاد شد و به تبع آن سیاستگذاران برای نشان‌دادن خطرناکی مجرمان جنسی عباراتی مشابه نسبت به مجرمان به کار می‌برند که بیانگر بی‌رحمی آن‌ها است (۴). رسانه‌ها در بازنمایی اخبار جنایی معیارهای و شاخص‌هایی را برای انتخاب و انعکاس خبرهای خود به افکار عمومی دارند که این معیارها ارزش‌های خبری نامیده می‌شوند و گزارش آماده‌شده خبر باید تا آنجا که امکان دارد، تعداد زیادی از این معیارها را دربر گیرد. هم گزارشگران روزنامه‌ها و هم رادیو تلویزیون برخی ملاحظات را برای قضاوت کلی در مورد ارزش‌های خبری یک گزارش در نظر می‌گیرند. این معیارها در طول مدت زیادی کار و تجربه به دست آمده است و نشان‌دهنده نوعی جوهره عقل و هوش در آن‌هاست و این‌که عموم مردم دوست دارند چه چیزی بخوانند، بشنوند و یا در وسایل ارتباط جمعی ارائه خبر، می‌خواهند ببینند (۱۴). به طور مشخص، رسانه‌ها در این زمینه به پوشش اخبار، پخش و تکثیر فیلم و محتوایی می‌پردازند که حتی می‌توانند احساس ناامنی و خطر ارتکاب به جرم را نیز افزایش دهد. با ادامه این روند، افراد می‌توانند با مشاهده اخبار جنایی روش ارتکاب جرائم و جنایات را یاد گرفته و در زندگی واقعی خود به کار ببندند. توجه به نوع، نحوه ارتکاب و سایر خصوصیات جرائم می‌توانند به یادگیری ارتکاب جرائم و افزایش آن کمک نماید.

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی به عنوان پل ارتباطی میان اجزای مختلف جامعه محسوب می‌شوند که بر اساس نیازها، ضرورت‌ها و خط مشی‌های کلی در هر نظام سیاسی و اجتماعی به پوشش رویدادهای جاری در جامعه می‌پردازند. در این خط مشی‌ها، سوژه‌هایی که موضوع آن بر افکار عمومی حساس یا پیامدهایش شمول زیادی داشته باشد، جزء وظایف اصلی رسانه برای پوشش خبری قلمداد می‌شود، اما رسانه تنها وظیفه پوشش رویدادهای جاری را بر عهده ندارند، بلکه برای تحقق نقش نظارتی خود به دنبال سوژه‌هایی فراتر از رویدادهای جاری هستند. امروزه مفهوم شهروندی، معنایی بیش از «عضویت در یک جامعه» را پیدا کرده است. کسب

نمایش درمی‌آورد، اعمال جنسی را تحریک می‌نماید و در نتیجه افراد را به طرف تجاوزات و سوء قصدهای اخلاقی می‌راند» (۱۶). بنابراین حوزه شهروندی به عنوان مرکز تکثیر و اشاعه پیام‌ها و القائات رسانه‌ای، هر لحظه ممکن است تحت تأثیر چنین عواملی، هم بر دامنه جرائم اجتماعی بیفزاید و هم جرائم تازه‌ای را بیافریند.

شهروندان به عنوان موجوداتی کنش‌مند، تحت تأثیر القائات و مطالب نشر یافته توسط رسانه‌ها قرار می‌گیرند. این موضوع مخصوصاً در حیطه روانی نیز به شکل نامحسوسی انجام می‌شود. از این منظر، تلقین حس ناامنی و همچنین ترس از جرم از جمله شرایط نوینی است که رسانه‌های جمعی پدید آورده‌اند و بدان دامن می‌زنند. بنابراین احساس ناامنی و ترس از جرم، بیانگر بُعد کیفی امنیت هستند که حقوق شهروندی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. بدین ترتیب ترس از جرم نه تنها کیفیت احساس امنیت اجتماعی را، به رغم وجود آن در جامعه، تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه موجبات محدودیت و ناتوانی شهروندان برای استفاده مناسب از حقوق و آزادی‌های اولیه آن‌ها را نیز فراهم می‌آورد. به عنوان مثال حق رفت و آمد آزادانه از جمله حقوق بنیادین شهروندی است که در عین حال زمینه برخورداری از بسیاری حقوق دیگر از جمله حق ارتباط با دیگران، حق اشتغال، آموزش، تفریح، حضور در اجتماع و... را نیز تأمین می‌کند. در نتیجه ترس از جرم، حق رفت و آمد ایمن و آزاد دچار اختلال جدی می‌شود، زن یا مرد، کودک یا نوجوان، سالمند یا جوانی که در معرض ترس از جرم قرار گرفته است، فضای زیست اجتماعی را ایمن و مصون از تعرض تلقی نخواهد کرد (۱۴).

افزایش حس ناامنی و ترس از جرم در حوزه حقوق شهروندی به شکل قابل توجهی تحت تأثیر اخبار، وقایع نشریافته توسط رسانه‌ها، فیلم و محتوای رسانه‌های مختلف قرار دارد. این اثرگذاری درباره نقش رسانه‌های داخلی در حیطه زندگی شهروندی نیز مصداق پیدا می‌کند، به طوری که برخی پژوهش‌ها در داخل کشور ما نیز حاکی از آن است که ارتباط معناداری بین میزان استفاده از برنامه‌های تلویزیون و گرایش نوجوانان به بزه‌کاری وجود دارد (۱۷). در همین راستا،

مهارت‌های شهروندی و یا به عبارت دیگر تبدیل‌شدن به یک شهروند مؤثر و کارآمد، مستلزم نگرش‌های قوام‌یافته نسبت به ارزش‌های اجتماعی، حساسیت نسبت به فرهنگ و آداب و سنن، احترام به شأن و منزلت انسانی و تلاش برای صلح و حفظ محیط زیست است. در واقع حقوق شهروندی مجموعه حقوق و آزادی‌هایی است که دولت در درون مرزهای خود به موجب قوانین داخلی متعهد می‌شود که برای شهروندان به عنوان یک حق به رسمیت بشناسد. در بیان مفهوم شهروندی نیز باید گفت شهروندی هویت جدیدی به فرد می‌بخشد که خارج از هویت فردی، خاندانی، قومی، خونی و تباری و شغلی است. پس در واقع شهروندی به وضع رابطه موجود میان یک شخص طبیعی و یک جامعه سیاسی به نام دولت - کشور گفته می‌شود که بر اساس آن، شهروند به وفاداری و جامعه سیاسی به حمایت موظف است. در واقع ویژگی که شهروندان را از تابعیت صرف جدا می‌کند وجود اخلاق مشارکت و حقوق و مزایای شهروندی است. شهروندی نه موقعیتی منفعلانه، بلکه موقعیتی فعالانه و اثرگذار است در یک نگاه کلان، شهروندی حاکی از این رابطه خاص میان جامعه سیاسی و عضو آن است که بر اساس آن، فرد دارای حقوق و تکالیفی خواهد بود، پس شهروند بر عضویت و شهروندی بر حالتی که از این وضعیت ناشی می‌شود، دلالت دارد (۱۵).

با این حال، نحوه فعالیت رسانه‌ها در حوزه شهروندی و بازتاب جرائم، تکثیر موارد خشونت‌آمیز و گسترش جرم و ناامنی از جمله مواردی است که نمایانگر نقش منفی رسانه‌ها در این زمینه است. برخی در همین راستا، آثار منفی رسانه‌ها در گسترش و ارتکاب جرم را این‌گونه بیان می‌کنند: «جنبه‌های نامطلوب برخی برنامه‌های تلویزیونی دارای آثار بسیار شومی می‌باشد، به طوری که می‌توان از آن‌ها به عنوان آفت‌های روانی یاد کرد. برنامه‌های زیان‌بخش که باعث انحراف تماشاگران می‌شود، معمولاً آن‌هایی هستند که نحوه عمل بزه‌کاران را با جزئیات نشان می‌دهد، رفتار و کردار تبهکارانه را در معرض دید دیگران می‌گذارد، میل به ثروتمند شدن و به دست آوردن وسایل گران‌قیمت را در نهادها بیدار می‌کند، روش رسیدن به تمنیات غیر اخلاقی از طریق سهل و ساده به

نقش تحریک‌کنندگی رسانه‌ها در عادی جلوه‌دادن جرائم و ناامنی مسأله مهمی است. بنابراین رسانه‌ها با مضامینی که ارائه می‌دهند، توانایی آن را دارند که پدیده مجرمانه را عادی جلوه دهند و در نتیجه افراد مستعد بزه‌کاری، با آرامش خاطر به سمت ارتکاب بزه حرکت کنند (۱۸).

در چنین وضعیتی، بزه‌کاران این‌گونه تصور می‌کنند که عملی که انجام می‌دهند، منحصر به فرد و یا استثنائی نیست. بدین‌معنا از نظر آنان، افرادی که در اوضاع و احوال مشابه او قرار می‌گیرند، قطعاً و یقیناً همان کار را انجام می‌دادند و بدین ترتیب به راحتی دست به عمل مجرمانه می‌زنند (۱۹). بنابراین در چنین حالتی، رسانه‌ها با تنزل انتخاب مخاطبان و تضعیف روند نهادی‌شدن ارزش‌های اجتماعی و انتقال تصورها و انگاره‌های ازهم‌گسیخته افراد، جامعه را دچار تعارض می‌کند و چندگانگی فرهنگی و اجتماعی را به نفاق، جدایی، خشم و خصومت تبدیل می‌کنند (۱۶). همچنین نشریات با انعکاس اخبار بزه‌کاری، علاوه بر آنکه به بدآموزی اجتماعی کمک می‌کنند، با انتشار مرتب، گسترده و جزء به جزء اخبار جرائم، قبح و زشتی این اعمال را در جامعه از بین برده و موجب می‌شوند تا جرم به صورت امری عادی و طبیعی جلوه‌گر شود (۱۶). بنابراین با توجه به توضیحات رسانه‌های جمعی نقش مهمی در چگونگی برداشت مخاطب خود دارند و در صورتی که هدف رسانه جهت‌دهی به افکار عمومی باشد، می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا نماید. رسانه‌های گروهی با بازنمایی رخدادهای جنایی نقش مهمی را در همراهی افکار عمومی در سیاست کیفری بازی می‌نمایند. بنابراین در کنار آثار و پیامدهای مثبتی که از توسط رسانه‌ها ایجاد شده است، توجه به آثار منفی آن مخصوصاً در حوزه‌های مسائل مجرمانه می‌تواند آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل برساند.

## ۲- رویکرد دولت‌ها در قبال تأمین امنیت شهروندی

حقوق شهروندی دارای ابعاد مختلفی است که امنیت به عنوان شاخصه نظم اجتماعی و از حقوق بدیهی آن شمرده می‌شود. در این میان از بین‌بردن احساس ناامنی در میان شهروندان از جمله وظایف دولت به شمار می‌رود که اقتدار برتر را در جامعه در دست دارد. این موضوع هم در قوانین

داخلی کشورها و هم در نزد سازمان ملل به عنوان مهم‌ترین نهاد بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری وابسته به آن، به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. در تکمیل این هدف در ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر، تبعیضات ناشی از نژاد، رنگ، زبان، مذهب و عقیده سیاسی، وضع اجتماعی و... که سبب جدایی و اختلاف در بین افراد می‌شود، محکوم شده‌اند. همچنین در ماده سوم اعلامیه چنین بیان شده است: «هر کس حق زندگی، آزادی، امنیت شخصی دارد» (۲۰).

حال به طور مشخص، این سؤال مطرح است که وظایف دولت‌ها در قبال کاستن و از بین‌بردن تأثیر رسانه‌ها بر افزایش ناامنی و ترس از جرم چیست؟ به عبارتی، آیا دولت‌ها می‌توانند به واسطه تأثیرات منفی رسانه‌ها بر زندگی اجتماعی شهروندان، قوانین کیفری را وضع نمایند؟ این محدودیت‌ها از جنبه حقوقی چگونه توجیه می‌شوند؟ در بررسی این موضوع باید گفت که حقوق شهروندی و رسانه‌ها به واسطه تأثیراتی که از یکدیگر پذیرفته‌اند، وابستگی عمیقی به یکدیگر پیدا کرده‌اند. به همین دلیل، اتخاذ تدابیری برای بهبود امنیت شهروندان امری مهم و قابل توجه است، هم‌چنانکه به دلیل گسترش فناوری و نفوذ رسانه‌ها در زندگی مردم امروزی توجه به نقش رسانه در حوزه آسیب‌های اجتماعی بسیار چشم‌گیر شده، زیرا حتی در دورترین نقطه جغرافیایی کشورها دسترسی به رسانه فراهم شده است. رسانه‌ها در واقع شکل‌دهنده افکار عمومی و از طرفی منعکس‌کننده آن‌ها هستند و در یک کلام بر اداراک ما از جهان پیرامون تأثیر می‌گذارند و در این زمینه جهان‌بینی انسان‌ها به شدت تابع عملکرد رسانه‌هاست (۲۱). به علاوه، به دلیل گسترش رسانه‌ها و تأثیرات آنان بر حقوق شهروندی، توجه به آسیب‌های رسانه‌ای و برقراری امنیت اجتماعی، یکی از معیارهای حقوق شهروندی تلقی می‌شود و یا این‌که عاملی برای حمایت از آن در نظر گرفته می‌شود. همچنین به واسطه تأثیرگذاری رسانه‌ها، اگر دولت‌ها به حقوق افراد دیگر جوامع توجه نکنند، نمی‌توانند به گونه‌ای متقاعد کننده ادعای تضمین حقوق شهروندی خودشان را داشته باشند (۲۲). بنابراین تهدیدات امنیتی ناشی از رسانه‌ها با فرارفتن از مرزهای سرزمینی، تهدیداتی جهانی آفریده است



که در وهله اول، نیازمند اتخاذ راهکارهایی جهانی برای شناسایی و مقابله با این تهدیدات است.

به نظر می‌رسد تدوین قوانین کیفری در زمینه مقابله با آثار و پیامدهای نامطلوب رسانه‌ها یکی از مؤلفه‌های حمایت از حقوق شهروندان در عصر کنونی است، زیرا در فضای رسانه‌ای، تعرض به امنیت فردی و خصوصی، امنیت اجتماعی را مخدوش خواهد کرد و سبب کاهش احساس امنیت فرد در گروه و جامعه می‌شود (۲۳). به همین دلیل، تدوین و به کارگیری قوانین کیفری برای مقابله با آسیب‌های رسانه‌های یکی از راهکارهایی است که دولت‌ها می‌توانند از این طریق، حقوق شهروندی را از گزند خطرات رسانه‌ها مصون نگه دارند. بدین ترتیب در کنار آثار مثبت و سازنده رسانه‌ها، گسترش فراملی جرائم و عادی شدن آن، توسط آنان با سهولت بیشتری انجام می‌شود، چنانچه امروزه بزه‌کاری به عنوان پدیده‌ای که نشان تخطی دسته‌ای از افراد جامعه نسبت به مقررات و توافقات جمعی است از مسائلی می‌باشد که توجه عموم را به خود جلب کرده است. این در حالی است که بسیاری از مردم با دیدن و شنیدن اخباری مرتبط با جرائم اتفاق افتاده در محیط پیرامونشان، احساسی خوشایند دارند و رسانه‌ها نیز با استفاده از این حس کنجکاو، به شرح و بیان جنایی می‌پردازند، ولی ماجرا ختم به یک نقطه نیست، بلکه در این میان، رسانه‌ها این توان را دارند که خواسته یا ناخواسته افراد را به سوی بزه‌کاری فرا بخوانند، اگرچه این فرض خلاف رسالت یک رسانه تلقی می‌شود، ولی با گشایش دست دولت‌مردان و ضرورت تحمیل سیاست‌های فرهنگی، امروزه به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل شده است (۲۴). به نظر می‌رسد به رسمیت‌شناختن قوانین کیفری دولت‌ها و ایجاد نظراتی واحد در حیطه تهدیدات رسانه‌ای از جمله ایجاد ناامنی رسانه‌ای و گسترش جرم، راه‌کار دیگری برای مقابله با این تهدیدات است که البته حامی امنیت شهروندی نیز تلقی می‌شود. بنابراین اتخاذ سیاست‌های کیفری و شناسایی جرائم رسانه‌ای در زمینه حس ناامنی و گسترش جرم از جمله تصمیماتی است که دولت‌ها می‌توانند برای حمایت از حقوق شهروندی از آنان استفاده کنند. این رویکرد هرگز به معنای تعرض دولت به

آزادی‌های شهروندان و مانعی جهت دسترسی آزاد شهروندان به رسانه‌ها نیست، بلکه آنچه مهم است، حفظ امنیت عمومی جامعه به عنوان شاکله حقوق شهروندی است که به نوبه خود ترس از جرم و گسترش آن را در بین شهروندان از بین می‌برد. علاوه بر این، با توجه به تأثیراتی که رسانه‌ها بر ایجاد ناامنی و گسترش جرم در جامعه ایجاد می‌کنند، دولت‌ها برای ایجاد قوانین کیفری در زمینه حمایت از حقوق شهروندی نیازمند دانش جرم‌شناسی هستند. این رویکرد بیش از هر چیز بر ناتوانی گروه‌های حاشیه‌ای تأکید می‌کند که به واسطه گسترش رسانه‌ها، احساس ناامنی بیشتری می‌کنند و حتی شیوع و پیدایش برخی جرائم اجتماعی و فقدان امنیت را ناشی از سیطره رسانه‌ها تلقی می‌کنند. در این معنا، در دنیای کنونی، به جرم‌شناسی احتیاج است که به واقعیت حضور این گروه‌های طرد شده، آگاه بوده و نیز خواستار کشف دلایل حاشیه‌نشین شدن آن‌ها و جرم‌انگاری رفتارها و سبک زندگی‌شان باشد (۲۵). از طرفی دیگر در کنار قوانین کیفری و مقابله با رسانه‌هایی که باعث افزایش جرم و ناامنی می‌شوند، بهره‌گیری از مشارکت مردم در راستای حمایت از حقوق شهروندی و به حداقل رساندن جرائم رسانه‌ای امر مهمی است. بنابراین اتخاذ رویه‌های مردم‌سالارانه و بهره‌گیری از نقش آفرینی شهروندان در امر مدیریت، تولید محتوای مناسب، نظارت بر عملکرد رسانه‌ها و به حداقل رساندن آسیب‌های رسانه‌ای راه‌کارهای مؤثری برای حمایت از حقوق شهروندی تلقی می‌شوند. به این دلیل که در عصر فناوری ارتباطات، پلیس در هیچ جامعه‌ای به تنهایی قادر به کنترل و پیشگیری از جرم نیست، مگر آنکه مشارکت مردمی را به کمک بطلبد و مشارکت مردمی نیز جامعه عمل خواهد پوشید، مگر از راه آگاه‌سازی و آموزش در سایه اطلاع‌رسانی که پلیس می‌تواند به عنوان عضو مؤثر و فعال در جامعه رفتارها و کردارهای قانونمند را بپذیرد (۲۶).

### نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر این سؤال را مطرح کرد که: رسانه‌ها از چه طریقی می‌توانند حس ناامنی و ترس از جرم را دامن بزنند و

تهدیدی برای حقوق شهروندی تلقی شوند؟ همچنین راه‌کارهای دولت‌ها برای مقابله با آثار و تهدیدات رسانه‌ای در حوزه‌های ترس از جرم و ناامنی شامل چه مواردی است؟ به نظر می‌رسد با توجه به مطالب ارائه شده، رسانه‌های گروهی علاوه بر ابعاد مثبت و سازنده‌ای که برای بشر به ارمغان آورده‌اند، آثار منفی نیز از خودی به جای می‌گذارند که یکی از مهم‌ترین این تأثیرات در حوزه‌های مسائل اجتماعی از جمله مسائل جنایی است. بدین ترتیب مسأله ترس از جرم و حس ناامنی از مهم‌ترین تهدیدات کنونی از سوی رسانه‌ها هستند که امروزه بر اغلب بحران‌های موجود در دنیا سایه سهمگینی انداخته است و تهدیدی برای تحقق حقوق شهروندی تلقی می‌شوند، حتی می‌توان گفت جرم و آسیب‌های اجتماعی به منزله سرمنشأ تمامی هرج و مرج‌ها و بحران‌ها محسوب می‌شود.

بدین معنا که رسانه‌های گروهی در صورت بازنمایی جرائم و رفتارهای خشونت‌آمیز یا محتوای حاوی مضامین جرم‌زا می‌توانند سبب افزایش ارتکاب جرائم در جامعه شده و به تبع آن آسیب‌هایی را به جامعه خصوصاً خانواده‌ها وارد سازند و زمینه‌ساز ناامنی، افزایش جرم و تهدید امنیت عمومی شهروندان شوند. در این صورت است که دولت‌ها برای سامان بخشیدن به امنیت شهروندان، سیاست‌های کیفری را در دستور کار قرار می‌دهند تا بتوانند نظم و امنیت شهروندی را به عنوان اصلی اساسی مورد حمایت قرار دهند، زیرا دولت‌ها با اتخاذ قوانین کیفری و مجازات برهم‌زنندگان نظم و امنیت عمومی، زمینه‌ها را برای آسایش و امنیت عمومی و دستیابی شهروندان به عدالت، آزادی، زندگی مسالمت‌آمیز و پیروی از قانون فراهم می‌سازد. از این منظر، قوانین کیفری دولت‌ها ممکن است برخی محدودیت‌ها را برای زندگی شهروندان در عرصه بهره‌گیری از رسانه‌ها ایجاد نماید، ولی این محدودیت‌ها، تصمیماتی برای کنترل و نظارت بر عملکرد رسانه‌ها در حوزه‌هایی است که ممکن است با بازنمایی جرم و گسترش ناامنی، زمینه‌ساز برهم‌زدن نظم و امنیت عمومی شوند. بدین ترتیب قوانین کیفری در وهله اول درصدد مقابله با تهدیدات ناشی از رسانه‌ها در حوزه ترس از جرم و حس ناامنی اجتماعی

برای شهروندان است و در وهله بعد، آموزش قوانین مرتبط با حقوق شهروندی و پیشگیری از تهدیدات مشابه را سرلوحه برنامه خویش قرار می‌دهد، چنانچه رسانه‌ها با حجم بالای انتقال اطلاعات و مطالب می‌توانند منجر به افزایش ارتکاب جرم مرتکب شوند، در حالی که هدف و سیاست عدالت کیفری به دنبال کاهش جرم و تعداد مجرمان و آسیب‌دیدگان اجتماعی است.

ضمن این‌که امروزه جرائم تروریستی و سازمان‌یافته به شکل فزاینده‌ای در حال گسترش می‌باشد و دولت‌ها به عنوان تأمین‌کننده امنیت در جامعه مورد توجه و انتظار افکار عمومی هستند که در این راستا تصمیماتی در خصوص اعمال سیاست‌های کیفری از سوی آنان اتخاذ می‌گردد که بیش از همه در راستای تقویت امنیت جامعه و محافظت از اساس حقوق شهروندی است. از این منظر دولت‌ها نیازمند این امر می‌باشند که افکار عمومی با سیاست‌های کیفری اتخاذ شده از سوی آنان همراه شود، هم‌چنانکه اخبار جنایی دارای مخاطبین زیادی است و به همین دلیل رسانه‌های گروهی بخشی از داده‌های خود را به بازنمایی اخبار جنایی اختصاص داده‌اند و به منظور جلب مخاطب بیشتر با بازنمایی اغراق‌آمیز و مخاطب‌پسند، متفاوت از واقعیت رخ داده طوری عمل می‌نمایند که در این راستا ضمن اطلاع مخاطب، حس ناامنی و ترس از جرم در افکار عمومی، نیاز به اقدامات پیشگیرانه و مؤثر را در خصوص کاهش این جرائم، می‌طلبد و این اقدامات در دل سیاست‌های کیفری که از سوی دولت‌ها اتخاذ می‌شود نهفته است.

با در نظر گرفتن توضیحات مطروحه پیشنهاد می‌گردد:

۱- به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از رسانه در زمینه ترس از جرم و بازنمایی آن، نیازمند تدوین قواعد و قوانین حقوقی است که بتواند امنیت عمومی را به دنبال داشته باشد. بنابراین توجه به حقوق رسانه می‌تواند به شناسایی آسیب‌های رسانه‌ای منجر شود. در همین راستا حقوق رسانه یا ارتباط جمعی یکی از رشته‌های نسبتاً جدید و بین‌رشته‌ای است که حقوق، آزادی‌ها و قواعد حقوقی راجع به ارتباطات جمعی را مطالعه می‌کند که می‌بایست مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

۲- رسانه‌های گروهی خصوصاً فضای مجازی زمان زیادی را از مخاطب اشغال می‌کنند و در طول این زمان پیام‌های مدنظر خود را به وی منتقل می‌نمایند. رسانه‌های گروهی فی نفسه مضر نیستند، بلکه با هدف و رسالت آموزش و بهبود زندگی بشریت ابداع شده‌اند، ولی نکته مهمی که در استفاده از رسانه حائز اهمیت است بحث گردانندگان و متصدیان آن می‌باشد که در واقع دارای چه مقاصد و افکاری می‌باشند. از همین رو ضرورت نقش‌آفرینی دولت‌ها در زمینه نظارت بر گردانندگان رسانه‌ها با هدف مقابله با آثار رسانه‌ها در حوزه افزایش جرم قابل دفاع است. نقش دولت‌ها برای برقراری امنیت عمومی نیازمند قوانین کیفری است که بتواند حس ترس و ناامنی را در میان شهروندان از بین ببرد و یا به حداقل برساند.

۳- نظارت دولت بر محتوای رسانه‌هایی که به طور مشخص باعث دامن‌زدن به حس ناامنی، ترس از جرم و عادی شدن آن می‌شوند، امری ضروری و در راستای دفاع از حقوق شهروندی از جمله امنیت اجتماعی است. به همین دلیل انعطاف‌پذیری قوانین دولت‌ها و لزوم به روزرسانی آنان یکی از متغیرهای تأثیرگذار برای مقابله با تهدیدات رسانه‌ای در حوزه جرائم اجتماعی است، زیرا امروزه و به واسطه گسترش رسانه‌ها، شیوه‌های جرم و جنایت و به تبع آن ایجاد ترس و ناامنی برای شهروندان بسیار متنوع شده است. امروزه از کانال‌های مختلفی و با تمسک به وسایل گوناگون رفتارهای مربوط به شیوه اجرای جرم به طور مستقیم و غیر مستقیم به مجرم آموخته شده و متعاقب آن به صورت پویا و انعطاف‌پذیری گسترش می‌یابند. علت این امر آن است که رفتارهای مربوط به شیوه اجرا در طول زمان تحت تأثیر قرار می‌گیرند و می‌توانند در نتیجه یادگیری و کاهش توانایی‌های مجرم، تغییر یابند. بنابراین از جمله وظایف نهادهای نظارتی و قانونگذار این است که سیاست‌های کیفری متناسبی را علاوه بر قوانین آموزشی در نظر بگیرند تا بتوانند شرایط مطلوب زندگی شهروندان را فراهم نمایند.

## References

1. Sarukhani B. Sociology of communications. Tehran: Ettela'at Publication; 1988. p.13.
2. Asia'ei R. The position of national media in the era of communications and its role in decriminalization and criminalization. 1st ed. Tehran: Cited in Criminal Sciences Encyclopedia (Collection of Articles on the New Findings of Criminal Sciences), Publications Mizan; 2007. p.352-671.
3. Farajiha M. Media reflection of crime. *Seasonal Scientific-Research Journal of Social Welfare* 2006; 6(3): 58-65.
4. Yahyaei F. Process of Transition and Impediments of Development of Democracy in Iran. Tabriz: Author; 2001. p.36-52.
5. Jaafari KH, Mesgarzadeh S, Mirzakhani M. Factors Influencing Social Security of Tabriz Citizens. *Journal Sociological Studies* 2017; 10(38): 61-83.
6. Dabiri Mehr A. New Communications and Media Approaches to Promoting National Security and Protecting National Identity. *Journal of Cultural Engineering* 2013; 8(75): 146-160.
7. Hashemianfar A, Dehghani H, Akbarzadeh F. The Impact of religiosity and mass media on Student Sense of Social Security. *Strategic Research in Security and Social Order* 2013; 2(5): 53-72.
8. Ketabi M, Ghasemi V. The Impact of Mass Media on Sense of Social Security in Isfahan. *Journal of Economic Reviews* 2007; 2(2): 1-187.
9. Rahmanzadeh A, Tavakkoli M. Pathology of the promotion of citizenship rights through collective media. *Seasonal Journal of Media and Culture* 2017; 2(14): 84-107.
10. Mohammadi Y. Cultural Security and the Media system in psychological and media operations. Tehran: Publications Saghi; 2001. p.28.
11. Mojaradi S. Internet and Social Security. Tehran: Publications Humanities Research Institute; 2012. p.116.
12. Verdinejad F, Bahrami Rashtiani S. Crisis management and media. 5th ed. Tehran: Samt; 2017. p.136.
13. Khoshfar G. Investigating the amount of feeling security and the people's quality of participation in establishment of security. *Monthly Journal of Political and Economic Information* 2001; 16(3): 136-150.
14. Gholami H. Fear of crime and criminal policy. 1st ed. Tehran: Mizan; 2012. p.9.
15. Omidali M, KHalaji M. Citizenship Rights and Media Education Functions. *Journal of Social and Media Studies* 2015; 4(5): 29-40.
16. Biabani GH. The role of the media in inciting Crime. *Journal Karagah* 2014; 2(7): 21-28.
17. Kamal Abadi M, Hesari F, Sharifi M. Investigating Impact of Cultural Industries and the Media on Adolescent Crime Delinquency. *Journal of Social Security Studies* 2015; 1(43): 163-190.
18. Sharafaldin H. The Role of The media in promoting good and forbidding evil. *Journal Social Theology* 2009; 1(1): 37-68.
19. Khaleghi M. The Role and Impact of Mass Media on Honorable Murder. *Journal of Media and Culture* 2013; 3(2): 27-53.
20. Naserzadeh H. Universal Declaration of Human Rights. Tehran: Publications Jihad Sazandagi; 1982. p.55.
21. Nourbakhsh Y. The Role of Education in Crime Prevention and Social Injury. Tehran: Publications University of Tehran; 2016. p.256.
22. Faulks K. Citizenship. Translated by Delforouz. MT. Tehran: Publications Kavir; 2010. p.254.
23. Mojaradi S. Internet and Social Security. Cairo: Publications Humanirie Research Institute; 2010. p.92.
24. Moradi Modiran R. The role of the media in crime prevention and crime prevention. Tehran: Publication Adak; 2012. p.256.
25. Aghaie S. Mass analysis in cultural criminology. Tehran: Publications Mizan; 2018. p.58.
26. Qasemi M, Yar Soltan R. Mass Media and Crime prevention. *Journal of Order and Social Security* 2010; 3(3): 66-88.